



تمدن حقیقی حاصل گذر از منظر ملکی به ملکوتی است

به بیان رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء، جامعه‌ای که هستی و جهان را از منظر حقیقت ببیند، متمدن است و در تمدن حقیقی، عالم ملک مانعی برای دیدن حقیقت ملکوت نیست.

به بیان رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء، جامعه‌ای که هستی و جهان را از منظر حقیقت ببیند، متمدن است و در تمدن حقیقی، عالم ملک مانعی برای دیدن حقیقت ملکوت نیست. حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضی واعظ جوادی، رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی درباره مفهوم «ملکوت» در قرآن پرداخت. واعظ جوادی با بیان این‌که «ملکوت» در قرآن در مقابل «ملک» قرار دارد، اظهار کرد: ملک یعنی یک سلطنت و مالکیت اعتباری که به عالم طبیعت برمی‌گردد و ملکوت ناظر به سلطنت و مالکیت حقیقی است که از آن پروردگار عالم است. در قرآن، خدای عالم خود را به عنوان صاحب ملکوت و کسی که ملکوت به دست اوست، معرفی می‌کند و می‌فرماید «سُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ الْمَلَكُوتَ كُلَّ شَيْءٍ؛ [شکوهمند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست» (یاسین/83). اگر ذاتی ملکوت و باطن حقیقتی را در دست داشت، قطعاً ظاهر هم به تبع باطن در خدمت او خواهد بود و چون خدا مالک ملک و ملکوت است، بنابراین هر دو سلطنت را دارد.

همگانی شدن شرع و اخلاق، شرط ظهور اجتماعی ملکوت

واعظ جوادی با اشاره به سه‌گانه شریعت، طریقت و حقیقت، بیان کرد: باید گفت که حقیقت همان ملکوت است و کسانی می‌توانند به ملکوت راه پیدا کنند که از شریعت و طریقت بگذرند. شریعت ناظر به احکام الهی است و طریقت ناظر به اخلاق الهی است و آن کسی که از منظر حکم و احکام الهی که شریعت است به درستی عبور کند و مسیر اخلاق را هم به درستی و راستی ببیماید چنین انسانی امکان راهیابی به عالم ملکوت برای او امکان‌پذیر می‌شود.

وی افزود: همچنین آن جامعه‌ای که هستی و جهان را از منظر حقیقت می‌بینند متمدن‌اند و تمدن حقیقی در جایگاهی اتفاق خواهد افتاد که حقایق از منظر ملکوت دیده شوند و عالم ملک حجاب و مانعی برای دیدن حقیقت برای آن‌ها نباشد.

رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء در پایان گفت: امیدواریم که جامعه اسلامی با گذر از شریعت و طریقت راه ملکوت را طی کنند و از ایمان بگذرند و به ایقان برسند و با رسیدن به ایقان حقیقت را آن گونه که هست مشاهده کنند و از خلاف و خطا و خطیئه نجات پیدا کنند و به سوی عدل و حق گرایش پیدا کنند و از ظلم و باطل فاصله بگیرند.

نقش مفهوم ملکوت در ظرف اجتماعی

وی در مورد نقشی که مفهوم ملکوت در ظرف اجتماعی می‌تواند ایفا کند، اظهار کرد: واژه ملکوت بر وزن «فعلوت» صیغه مبالغه از ملک و سلطنت است و همان طور که عظمت مبالغه عظمت است و رحمت مبالغه رحمت است، ملکوت مبالغه ملک است و همچنان که توضیح داده شد ملک اعتبار است و ملکوت حقیقت، اما انسان اگر بخواهد به ملکوت سفر کند، باید از عالم ملک بگذرد.

سلطنت انسانی در عالم ملک اعتباری است

وی با اشاره به جریان زندگی انسان در عالم ملک بیان کرد: خداوند به جهت این‌که انسان دارای اختیار و اراده است، به اذن خود، حدودی از مالکیت را در اختیار انسان قرار داد تا انسان با داشتن این مالکیت بتواند نیازهای زندگی خود را و حیات انسانی خود را تأمین کند، اما در حقیقت ملکوت اصل و اساس است و اگر خدای عالم خود را به عنوان صاحب عالم معرفی می‌کند، یعنی همه کارها و مالکیت و سلطنت انسانی به ید قدرت اوست و از آن جایگاه به انسان عطا شده است.

واعظ جوادی در تشریح این مطلب که «سلطنت انسانی در عالم ملک اعتباری است»، اظهار کرد: انسان واقعاً مالک مال خود و وجود خود نیست؛ چرا که اگر مالک مال خود یا وجود خود بود، بیماری، ناتوانی و مرگ به سراغ او نمی‌آمد، جوانی از او گرفته نمی‌شد و می‌توانست اموال خود را همواره داشته باشد؛ اما هنگام مرگ می‌بینیم که بدن، مال و همه آن‌چه را که انسان در طول زندگی داشته است، رها می‌کند. این به جهت این است که انسان مالک حقیقی نیست و در حقیقت پروردگار عالم، مالک راستین و اصلی است و مدت کوتاهی و به صورت اعتباری، این مالکیت را در اختیار انسان قرار می‌دهد، اما سلطنت حقیقی از آن اوست.

رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء با اشاره به تقسیم نظام هستی به دو قسم «خلق» و «امر»، خاطرنشان کرد: ما بر اساس آموزه‌های قرآنی و از جمله این که خداوند می‌فرماید «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست» (اعراف/54)، نظام هستی را به خلق و امر تقسیم می‌کنیم. مراد از خلق، عالم طبیعت است و مراد از عالم امر، ملکوت است که باطن جهان و حقیقت جهان است و از آن جایگاه جهان اداره می‌شود.

وی ادامه داد: بر این اساس و به دلیل این‌که خدای عالم هم مالک خلق یعنی ملک است و هم مالک امر یعنی ملک ملکوت است، هیچ اختیار و احاطه حقیقی برای انسان وجود ندارد، مگر این‌که خدای عالم به صورت اعتباری و برای مدتی، این اختیار و این مالکیت را به انسان عطا می‌کند.

حفظ انسان از ظلم و گمراهی؛ هدف دعوت خداوند برای توجه به ملکوت

واعظ جوادی در بخش دیگری از این گفت‌وگو عنوان کرد: انسان تا زمانی که در عالم ملک زندگی می‌کند، نمی‌تواند حقایق و باطن اشیاء را ببیند و به همین دلیل است که انسان به خطا و خطیئه می‌افتد و فرق بین حق و باطل و بین عدل و ظلم را نمی‌تواند تشخیص بدهد و به دلیل محدود بودن در ملک، جوهره عدل و حق را نمی‌شناسد و گاه به سمت باطل و گاهی به سمت ظلم گرایش پیدا می‌کند.

وی با بیان این که دعوت خداوند برای توجه به ملکوت برای حفظ انسان از همین چالش است، عنوان کرد: برای این که انسان دچار این چالش جدی نشود، خداوند او را دعوت می‌کند که به سمت ملکوت که باطن اشیاء است، توجه کند. آن گاه که انسان باطن و حقیقت اشیاء را دید، دیگر فریب نمی‌خورد و به سمت باطل یا به سمت ظلم گرایش پیدا نمی‌کند.

این محقق و پژوهشگر دینی با اشاره به تمجید خداوند از کسانی که به تفکر در ملک و خلق می‌پردازند، گفت: خداوند در جایی که می‌فرماید «الَّذِينَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ کسانی که در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند» (آل عمران/191) آن‌هایی را مدح می‌کند که در آفرینش و ظاهر عالم تفکر می‌کنند، اما علاوه بر آن دعوت به روی کردن به ملکوت عالم می‌کند و می‌فرماید «وَأُولَئِكَ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است، ننگریسته‌اند» (اعراف/185).

گذر از ایمان به ایقان و پیوستن به ملکوت؛ راه نجات از هر تباهی

وی ادامه داد: بنابراین کسی که تمام توجه‌اش به عالم خلق است و از خلق هم اعتباری برای عالم امر و ملکوت نمی‌گیرد، این انسان قطعاً به اشتباه و خطا و خطیئه خواهد افتاد و بین حق و باطل یا عدل و ظلم قدرت تشخیص ندارد و گمراه خواهد شد. اما آن انسانی که به ملکوت راه پیدا کرد و باطن اشیاء را دید، او به مقام یقین می‌رسد. لذا خدای عالم راجع به حضرت ابراهیم(ع) فرمود «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ؛ و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانیدیم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد» (انعام/75) این به این معناست که

برای این که ابراهیم(ع) را به مقام ایقان که به مراتب برتر از ایمان است برسانیم، او را با ملکوت جهان آشنا کردیم و حقیقت جهان و جهان حقانی را از منظر الهی مشاهده کرد.

واعظ جوادی افزود: انسانی که به مقام یقین برسد نه در مقام علم خطا می‌کند و نه در مقام عمل خطیئه دارد، اما آن کسی که دل به ملک دوخت و دل به طبیعت و خلق دوخت، طبعاً دچار اشتباه می‌شود و زرق و برق عالم طبیعت او را فریب می‌دهد.

از منظر اهل معرفت عالم خلق عالم غیب است و عالم امر عالم شهادت

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با بیان این نکته که از منظر اهل معرفت، عالم خلق عالم غیب است و عالم امر عالم شهادت، اظهار کرد: انسان‌هایی که به معرفت عرفانی راه پیدا نکرده‌اند، فکر می‌کنند که دنیا عالم شهادت است و عالم ملکوت عالم غیب است، در حالی که برای اهل معرفت این امر برعکس است. اهل معرفت دنیا و عالم، خلق را عالم غیب می‌دانند، زیرا در عالم خلق اشتباه و خطا و خطیئه راه دارد، اما در عالم امر به دلیل این که عالم باطن و حقیقت است، جایی برای وسوسه یا توطئه و دسیسه‌های نفسانی و شیطانی نیست.

واعظ جوادی ادامه داد: در عالم ملکوت، نه نفس انسانی کارآمد است و نه دعوت‌های دروغین و کاذب شیطان می‌تواند در آن جا مؤثر باشد؛ وادی حقیقتی است که هر چه در آن جا وجود دارد، جز حق نیست. بنابراین پیام الهی در خصوص توجه به ملکوت این است که انسان‌ها به مقام یقین برسند و این یعنی به باطن اشیاء راه پیدا کنند و تا زمانی که به باطن اشیاء راه پیدا نکرده‌اند، خطر اشتباه، نسیان، غفلت و خطر افتادن در ورطه گناه و ضلالت کاملاً وجود دارد.

وی سرّ عصمت انبیاء را نیز در همین نکته دانست و بیان کرد: این‌که انبیای الهی خطا نمی‌کردند و خطیئه‌ای نداشتند، برای این بوده است که جان آن‌ها با عالم ملکوت در ارتباط بود و حقایق را از منظر ملکوت می‌دیدند. آن‌ها باطن اشیاء را می‌دیدند و هرگز به سمت گناه و امثال ذلک پیش نمی‌رفتند؛ چه باطن گناه آتش است و باطن طاعت و اطاعت از پروردگار عالم بهشت است و خیر است و سعادت.

رئیس بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اِسرائ ادامه داد: بنابراین پیام دعوت به ملکوت این است که انسان از مرحله ایمان بگذرد و به مرحله ایقان و یقین برسد و از جایگاه یقین از هر نوع تباهی و هر نوع زشتی و خلاقی برهد و نجات پیدا کند، و تا انسان به این سفر الهی مسافر نباشد یا لااقل به کسانی که چنین سفری داشته‌اند دل نبندد و از آن‌ها پیام حقیقت اشیاء را نگیرد، همواره در گمراهی به سر می‌برد؛ یعنی یا خود ذاتاً گمراه است و یا به تبع کسانی خواهد رفت که آن‌ها به دلیل این که حقیقت را ندیدند ره افسانه زدند و در مسیر باطل گام برداشتند.

واعظ جوادی با اساسی خواندن جایگاه ملکوت در نزد اهل معرفت، عنوان کرد: اهل معرفت همواره از منظر عالم ملکوت به ملک می‌نگرند؛ لذا خدای عالم فرمود ما باطن عالم را در اختیار داریم و کسی که باطن را در اختیار داشته باشد از ظاهر غافل نخواهد بود چرا که ظاهر ظهور همان باطن است.